

ویلیام فالکنر و سینما

جمال آریان

به تازگی شاهد نمایش مجدد فیلم «سرزمین فراعنه» (Land of The Pharaohs) بر اساس یکی از فیلمنامه های ویلیام فالکنر نویسنده سرشناس ادبیات آمریکا بودم که هوارد هاوکز یکی از سرشناس ترین کارگردانان سینمای کلاسیک آمریکا آن را کارگردانی کرده است.

این فیلم متعلق به سال ۱۹۵۵ است و یکی از نمونه های کلاسیک برخورد هالیوود با دنیای شرق، با تمامی برداشت های غلط از فرهنگی دیگر و تمایل هالیوود به ساختن فیلم های حماسی و پر خرج و پر زرق و برق بر اساس چنین برداشت هایی. این فقط فرهنگ گذشته و تاریخ ما نیست که به صورت کاریکاتوری از واقعیت در فیلم هائی چون «۳۰۰» بر پرده سینما ارائه می شود. بنظر این نگارنده، هر وقت هالیوود به سراغ تاریخ کشوری برود، این مصیب رخ می دهد خواه تاریخ رم و یونان باشد، خواه چین، هند، ایران و مصر.

این فیلم البته نمونه خوبی از آثار درخشان هوارد هاوکز نیست و صد البته برداشت فالکنر و دیگر نویسندگان فیلمنامه نیز گویای واقعیت تاریخی مصر نمی باشد.

«سرزمین فراعنه» فیلمی است سرگرم کننده درباره ساختن اهرام مصر، با ابعادی حماسی. هاوکز ادعا کرده که نه او و نه نویسندگان فیلمنامه (از جمله ویلیام فالکنر) از نحوه صحبت کردن یک فرعون با خبر نبودند. می خواهم اضافه کنم که آنها از طرز رفتار فرعون، سزی و راز داربودنش، اطاعت کورکورانه مردم مصر از رهبر نظامی - کاهنی اشان نیز اطلاعی نداشتند. نحوه ارائه فرعون مصر با ارائه فرمانده سپاه روم و یونان در سایر فیلم های حماسی هیچ تفاوتی ندارد، حال آنکه فرهنگ و اسطوره های آنها بسیار متفاوت است.

بررسی این فیلم مسأله اصلی این نگارش نیست بلکه نگاهی داریم به شیوه های کار سینمایی فالکنر و همکاری هایش با سینما و صنعت فیلم.



رنوار، اروینگ تالبورگ، داریل زانوک، جونل فورتن کارکرد. او حتی یک کار از کارگردان سرشناس روسی «سرگنی ایزنشتاین» را دوباره نویسی کرد. فالکنر در ساخت آثار سرشناسی در سینما چون «خواب عمیق» «داستن و نداستن» «جنوبی»، «راه پیروزی»، «نیروی هوایی» همکاری کرد و هزاران صفحه فیلمنامه نوشت که هیچ گاه به تولید سینمایی برگردانده نشد. چند تایی از آنها ادامه و برداشت های تازه ای بودند از دستمایه های داستان ها و رمان های عمده اش، که البته تماشاگران بسیاری را جلب نکرد. بطور مثال، فیلمنامه فالکنر بر اساس داستان «عروسان جنگ»، بخشی بر اساس رمان «سارتوریس» و خاتومه سارتوریس در این داستان است. همکاریش با «خواب عمیق» (که همذ ایده هایش نیز در این فیلم بکار گرفته نشد) بر اساس تم های کتاب *The Sound and the Fury* بود که نقش دختر لعنت شده یک خانواده مغرور و در حال سقوط جنوبی در آن بکار رفته است. کار بر روی فیلم «راه پیروزی» که بر اساس فیلمی فرانسوی درباره جنگ است، از همین روال است.

علاقه مذهبی فالکنر، که در ساختارهای سمبولیک و عناوین برخی آثارش چون «Abshālūm, Abshālūm» و «Sanctuary» پنهان است، در آثار هالیوودی اش شکلی آشکارتر می یابد.

در هنر جمعی و تصویری فیلم، تعیین حد مسئولیت یک نویسنده واحد در تولید یک فیلم کاری است دشوار، حتی زمانی که او را با عناوینی چون اقتباس گر یا نویسنده فیلمنامه خطاب می کنند. در صحنه ای مشهور از فیلم «To Have and Have Not»، جانی که «لورن باکال» به درگاه تکیه دارد و از همفرو بوگارت، تقاضای آتش زدن سیگارش را می کند، یا در صحنه ای دیگر که به بوگارت می گوید: «اگر من را می خواهی فقط کافی

هوایی خدمت کرده بود، زمانی جالب به نظر آمد. پس او به کمک یاران فیلمنامه نویسی شروع به تبلیغ درباره این نویسنده جوان کرد و در واقع می توان گفت جهان ادبیات مدیون هاوکز در معرفی فالکنر است.

در سال ۱۹۳۲ هاوکز خدمتی دیگر به فالکنر کرد. داستانی از فالکنر در روزنامه «ساتردی ایوینینگ پست» چاپ شده بود که به نظر هاوکز برای ساخت فیلم جالب آمد. او نامه ای به فالکنر نوشت و از او خواست تا داستان «Turnabout» را به صورت فیلمنامه در



The Sound and the Fury

بیاورد. فالکنر پذیرفت و کارش را در صنعت سینمای هالیوود به عنوان فیلمنامه نویسی آغاز کرد. او در طول سال های بعد بر روی حدود پنجاه فیلم کار کرد، در عین اینکه به عنوان یک نویسنده بزرگ، آثار ادبی جاودانی خود را نیز خلق می کرد، بدون اینکه جذابیت تجاری بازار بر او تأثیری بگذارد. البته کارکردن او در هالیوود زندگی مالی درخشانی برایش به همراه نداشت اما گرسنگی نیز نکشید.

فالکنر بین سال های ۱۹۳۲ تا ۱۹۵۴ بین خانه اصلی اش یعنی آکسفورد، می سی سی پی و لوس آنجلس در سفر بود و با کارگردانان و تهیه کنندگانی چون ژان

بسیاری معتقدند که برخی آثار ویلیام فالکنر چون *The Sound and the Fury* و Sartoris بیشتر از تکنیک های سینمایی برخوردار است تا ادبیات، و از تکنیک های نویسندگان مدرنیستی چون «جیمز جویس» و «تی. اس. الیوت» بهره گرفته است که به قول منتقد و حامی سرشناس هنر، «گرترو استاین»، آثار آنها «آن کاری را می کند که سینما انجام می دهد».

لازم به گفتن است که آثار ویلیام فالکنر بر کارگردانان و فیلمنامه نویسان بزرگی چون



drums along mohawk

الن رنه، ژان لوک گدار، مارگریت دوراس، آگنس واردا و آلن روب گریه تأثیر گذار بوده است.

در اواخر سال های بیست، هاوارد هاوکز که کارگردان و تهیه کننده بود، زمانی بنام *Soldiers' Pay* از یک نویسنده گمنام جنوبی خواند که بسیار برایش جالب بود. داستان افسری در جنگ جهانی اول که مجروح و ناپیدا می شود و نه جنگ را دیگر به خاطر می آورد و نه محبوبش را.

ابهام مفهوم «پیروزی» و تنهایی این افسر، به شکلی شفاف و پر قدرت در رمان ارائه داده شده بود و برای هاوکز که خود زمانی در نیروی

زیاد اهل مطالعه نبود، از وی می پرسد آقای فالکنر، شما هم چیزی می نویسید؟ و ویلیام فالکنر پاسخ می دهد: همینطور است آقای گیبل، کار شما چیست؟

وامداری ادبی فالکنر به جیمز جویس و تی.اس. الیوت در آثارش آشکار است. اما نکته مهمتر اینست که «ولیس» اثر جویس، «سرزمین هرز» نوشته الیوت و «یو.اس.ا» نوشته دوس پاسوس و غالب آثار فالکنر هر کدام تا حدودی به یک تکنیک سینمایی وامدارند، به تدوین (مونتاز). شاید درست نباشد که این تکنیک را صرفاً سینمایی بدانیم. شاید بهتر باشد آن را یک اصل ساختاری بدانیم که طی قرن گذشته توسط نویسندگان و فیلمسازان با هدفی یکسان بکار گرفته شده است.

تکنیک «مونتاز» که برای تدوین فیلم بکار می رود، هنر چسباندن یک نما به نمای بعدی است. این هنر توسط هنرمندان سینماگر روسی ترقی ویژه ای یافت. از جمله آیزنشتاین سینماگر بزرگ شوروی عقیده داشت که عناصر یک مونتاز نباید بر اساس کنار هم نهادن بلکه باید بر اساس برخورد «نماها» و به شیوه دیالکتیک باشد. این شیوه در اشعار اولیه «ازرا پاولند» بویژه در شعر «In a Station of the Metro» دیده

اینکه هر یک چقدر در هر فیلم مسئولیت داشتند. در مورد فالکنر اما باید گفت او سینمایی ترین این ادبیات نویسان بود. تکنیک هائی سینمایی چون تدوین، فریم ثابت، حرکت آهسته و استعاره بصری در داستان هایش فراوانند به علاوه وی رمان نویسی است که آثارش توسط فیلمسازی چون هاوارد هاوکز تا ژان لوک گدار (که رمان محبوبش از فالکنر The Wild Palms می باشد) به کثرت خوانده شده است.

گرترو استاین عده ای از نویسندگان را متهم می کرد که «همان کاری را می کنند که سینما انجام می دهد»، از جمله جیمز جویس، تی.اس.الیوت و دوس پاسوس.

فالکنر نیز مشهور بود که کار هر سه نفر آنها را جدی می گیرد. بطور نمونه، که علاقه وی را به دوس پاسوس نشان می دهد، نقلی است از هاوکز در مورد یک سفر با فالکنر برای شکار کبوتر. در طی آن سفر وی و فالکنر درباره ادبیات معاصر گفتگو می کنند. کلارک گیبل که همسفر آنها بود، از فالکنر سؤال می کند که به نظر او بهترین نویسندگان در حیات کدامند. فالکنر پاسخ می دهد: ارنست همینگوی، ویلا کاتر، توماس مان، جان دوس پاسوس و ویلیام فالکنر. کلارک گیبل که

است سوت بزنی؛ قدرت نمایش جنسی این صحنه ها نیازمند کار هاوکز به عنوان کارگردان بود و نیز این مسأله که در آن زمان لورن باکال و همفری بوگارت در پشت صحنه فیلم عاشق یکدیگر بودند، ولی متن گفتگوها توسط جول فورتن نوشته شده بود با کمک هاوکز و نیز دختری در پشت صحنه. شخصیت ها توسط ارنست همینگوی خلق شده بود که داستان اصلی را نیز نگاشته بود و در طرح اصلی ابتدائی با هاوکز همکاری داشت. نقش فالکنر در این مورد، عبارت بود از پرداخت طراحی صحنه از نظر چگونه ایستادن در درگاه ها که برخورد های تصادفی عاطفی را ممکن می کرد. فالکنر همچنین در فیلم As I Lay Dying، طرح ساختاری روایت را برای رمان همینگوی تهیه کرد، طرحی که به هیچ وجه در فیلم مشخص نیست.

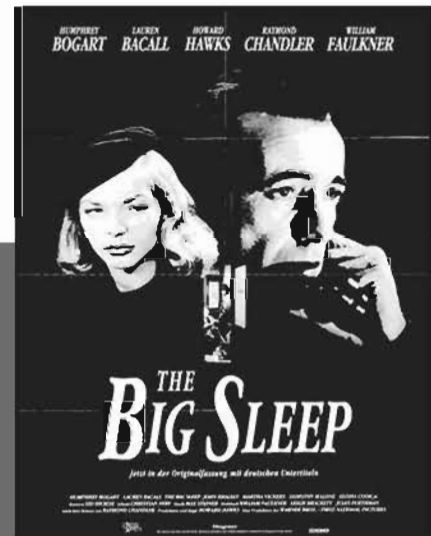
بنابراین پاسخ به این سؤال که چه کسی چه کار کرد و چرا؟ کاملاً پیچیده است. نویسندگان دیگری نیز بودند که در هر دو زمینه فیلم و ادبیات کار می کردند، از جمله اف. اسکات فیتز جerald، ناتانیل وست، ریموند چندلر، جیمز اگی، آلن روب گریه، نورمن میلر، سوزان ساتاگ. بطور کلی باید گفت در این رابطه بیشتر مسأله فیلم و ادبیات مورد نظر است تا



Adventures of Don



To Have and Have Not



the big sleep

بزرگان دیگر ادبی چون همینگوی و چندلر را برای سینما اقتباس می کرد، چگونه برخوردی داشت؟

در اوائل سال های پنجاه، فالکنر دو فیلمنامه برای هاوکز نوشت: «دست چپ خداوند» و «سرزمین فراغنه». فیلم «سرزمین فراغنه» همانطور که نوشته شده بود به فیلم برگردانده شد؛ هرچند تنها از نقطه نظر «تم» قابل توجه است. فالکنر فیلم را از نظر داستانی شبیه «رود سرخ» با بازیگری جان وین می داند؛ فرعون و توده جواهراتش و ساختن مقبره اش شبیه عمل جان وین در فیلم وسترن «رودسرخ» است که گله اش را گردآوری می کند و آنها را به سمت بازار برای فروش می برد. مشابهتی نیز بین «سرزمین فراغنه» و «ابشالوم، ابشالوم» وجود دارد؛ طرح های فرعون برای اهرام همانقدر برایش وسوسه انگیز است که «طرح» برای سوتپن. در هر دو مورد این زیاده طلبی ها توسط وسوسه هایشان نابود می شوند. پرتنس شیطان صفت (با بازیگری جون کالینز) بیش از آنکه از دیدگاه هاوکز نسبت به زنان نشأت گرفته باشد، متأثر از کابوس «کراهت و شکوه» فالکنری در «نور آگوست» است. قهرمان همه چیزش را بخاطر زنی که ارزش ندارد، از دست می دهد.

خود را محدود به بازگویی یک داستان می کرده است، آنچه که خلاف شیوه کار فالکنر است. سؤال اینست که این دو نفر چگونه با هم کار می کردند؟ در مورد فالکنر مهم اینست که در غالب فیلمنامه هایش، داستان را به شیوه مستقیم و تداومی می گوید و اگر از تکنیک مونتاز، آنهم بندرت، استفاده می شود فقط به عنوان شیوه ای انتقالی است. داستان هائی را که باز می گوید خوب و منسجم است و جالبتر از فیلم هائی که غالباً بر اساس این آثار ساخته شده اند.

مهمترین دشواری این فیلم ها این است که به مفاهیم فالکنری توجه نکرده اند، تنها داستان را باز گفته اند و برای تکنیک های ویژه وی معادلی سینمایی نیافته اند.

بنابر این، این دوگانگی در نظر اول تکان دهنده است. آثار ادبی فالکنر سینمایی اند و آثار فیلمنامه ای وی برای سینما، بیشتر زمان گونه اند. مسأله بیشتر به «اقتباس» از آثار ادبی فالکنر بر پرده سینما چگونه دیده می شوند، کیفیات سینمایی این آثار چگونه به فیلم مبدل می شوند، و آیا اساساً چنین تلاشی شده است؟ در فیلم هائی که اقتباس ضعیف بوده، آیا مشکل مربوط به رمان است یا شیوه برخورد هالیوود با آنها؟ و خود فالکنر وقتی آثار

می شود. جویس و الیوت به توسط پاوند کشف شدند و آنها تحت آندرزهای او عمل کردند و بر هر دو اثر ویژه بزرگ آنها، این پاوند بود که شیوه تدوین را بکار برد. دوس پاسوس که با کارهای این نویسندگان آشنا بود، کار خود و آثار همکارانش را متأثر از اثر بزرگ سینماگر شوروی «آیزنشتاین» با نام «رزمنا و پوتمکین» می داند. در تمامی این مدت، فالکنر کنار این استادانش کسب دانش می کرد. دنیای مدرنیستی این هنرمندان، قطعه قطعه بود، همه چیز گذشته خورد می شد و نیاز به ساختاری جدید داشت تا به شکل سیستمی جدید بکار آید و فرهنگی تازه پدیدار آورد.

برای فالکنر، تکنیک مونتاز، به شکل ویژه خود او بکار گرفته می شد؛ شیوه ای خاص برای بیان ذهنیت؛ شیوه ای سرشار از قطعات، که گذشته با حال تلاقی پیدا می کند، حقیقت با خیال، گفتگوی درونی با صحبت بیرونی، ذهن یک فرد با دیگری، یک داستان با داستانی دیگر.

این مسأله درباره آثاری که بر اساس آثار فالکنر ساخته شده و نیز ذهنیت فالکنر درباره فیلم ها و فیلمسازان مهم است. هوارد هاوکز همیشه از تکنیک های «مونتاز» و «فلاش بک» پرهیز کرده و غالباً



Le silence des damnés



Land of the Pharaohs

لیست آثار سینمایی که فالکنر در آنها نقش نویسنده فیلمنامه و یا مصحح و یا بازنگر داشته، لیستی بسیار بلند است اما برای نمونه می توان آثار مهم و صاحب نامی چون

Drums Along the Mohawk (جان فورد)

Northern Pursult (رائول والش)

Deep Valley (جین نگولسکو)

Having and not having (هوارد هاوکز)

The Damned Don't Cry (وینسنت شرمین)

Adventures of Don Juan (وینسنت شرمین)

The Southerner (ژان رنوار)

The Big Sleep (هاوارد هاوکز)

Mildred Pierce (مایکل کورتیز)

Intruder in the Dust (کلارنس براون)

را نام برد.

رابطه سینما و فالکنر همیشه رابطه ای پیچیده باقی مانده است.

شیوه ها را آموخت، اما به شیوه ای دیگر در سینما آنها با شدت بسیار کار کرد. اگرچه او تقریباً هیچ گاه شیوه های سینمایی درونی آثارش را در فیلمنامه هائی که نوشت بکار نگرفت و هر گاه که ممکن می شد درباره «شخصیت ها» و «تم ها»ئی که برایش مهم بود، آن هم به عنوان یک رمان نویس، در فیلم ها بکار می گرفت. در این رابطه، دو کار مختلف وی یعنی فیلمنامه نویسی و رمان نگاری، طی غالب سال های کار خلافت وی در کنار هم جریان داشت. کار فیلمسازی، کاری دسته جمعی و گروهی است و فالکنر نقش خودش را در این زمینه به کمال ایفا کرد.

داستان فالکنر در زمینه فعالیت سینمایی اش هنوز با دقت و موشکافی کامل مورد بررسی قرار نگرفته است و جای تحقیق بسیار دارد.

وسوسه فرعون برای مال و منال که به دوران کودکی اش باز می گردد، کل تراژدی را می سازد.

سؤال اینست که اگر فالکنر به جای اینکه با هاوکز دوست و همکار شده بود، فی المثل با دی. دبلیو. گریفیث همکاری داشت که اثر ویژه او «Intolerance» مشابیهات ساختاری فراوانی با اثر فالکنر: «The Wild Palms» داشت و نیز «تولد یک ملت» - چون گریفیث بر فالکنر در دوران کودکی تأثیر بسیار گذاشته بود - چه حادثه ای پیش می آمد و تاریخ سینما چگونه این همکاری را می نوشت؟ فالکنر با کارگردانی چون هاوکز کار کرد و چیز آموخت که به تدوین خیال انگیز اعتقادی نداشت، از کاربرد تکنیک «بازگشت به گذشته» خودداری می کرد و اعتقاد داشت که کار یک کارگردان، «گفتن یک داستان خوب» است. فالکنر این

نمایندگی
3M

Royal Window Tint

5% 15% 20% 30% 35% 50% No Tint



با دودی کردن شیشه های

منزل . محل کار . اتومبیل

از مزایای زیر برخوردار شوید

Energy Saving

• جلوگیری از هدر رفتن انرژی تا ۷۰ درصد

Enhanced Privacy

• جلوگیری از معرض دید قرار گرفتن فضای داخل ساختمان

3M Window Film

• جلوگیری از آسیب دیدگی مبلمان و فرش بر اثر تابش نور خورشید

Life Time Warranty

Professional Installation • Free Estimate

Best Price حمید (832) 488 2345

YOUR HOME FOR FULL COLOR DIGITAL PRINTING

انجام کلیه امور چاپی از طرح تا اجرا به هر زبانی با قیمت مناسب در اسرع وقت



- Brochures
- Flyers
- Business Cards
- Menus
- Post Cards
- Doorhangers
- Envelopes
- Continuous Forms
- Carbonless Forms
- Newsletters
- Catalogs
- Business Forms
- Presentation Folders
- Posters
- Medical Forms
- Stationary

FULL COLOR | 250 - \$65⁰⁰
POSTCARDS | 500 - \$75⁰⁰

1,000 FULL COLOR BUSINESS CARDS
AS LOW AS \$49⁰⁰*



RESPONSIBLE PRINTING

1403 Brittmoore Rd. Houston TX 77043
 713-722-0100 • Fax: 713-722-0153
www.responsibleprinting.com



Samavati Insurance Agency

2017/Andeh's Farmore

• تجاری

• عمر



شعله سماواتی

مشاور صدیق شما در امور بیمه

• ماشین

• منزل

Tel: 281-999-9990

Fax: 281-763-2635

11511 Katy Freeway #530 Houston, TX 77079

samavati@sbcglobal.net